

بسمه تعالی

ریاست محترم شعبه ... دادگاه

موضوع : لایحه دفاعیه _ شماره بایگانی

احتراما در دفاع از حقوق موکل و در جهت رفع بزه انتسابی از ایشان مواردی، را ذیلا به استحضار آن مقام عالی می رساند :

۱- قبل از هر چیز شرحی از اوضاع و احوال موکل در زمان ارتکاب عمل لازم به نظر می رسد .

حدود دو ماه قبل از دستگیری، موکل در یک سانحه رانندگی تنها برادر و برادر زاده خردسال خود را از دست می دهد (فتوکی مصدق گواهی های فوت به پیوست است) و از این جهت دچار شک شدید روحی و روانی می گردد تا جایی که حتی اقدام به خودکشی می نماید ، در ادامه و تلاش جهت بازیابی وضعیت روانی خود ، مواد مکشوفه تحت عنوان گیاه دارویی و آرام بخش توسط متهم ردیف اول (.....) که از دوستان موکل می باشد ، به ایشان معرفی می گردد.

مطابق صورتجلسه تنظیمی و اقرارنامه متهم ردیف اول نزد بازپرس محترم شعبه پنجم ، موکل نامبرده را جهت تهیه مواد مکشوفه بعنوان راننده، همراهی می نماید که بلافاصله بعد از تهیه مواد توسط متهم ردیف اول ، هر دو دستگیر میشوند .

برخلاف ادعای متهم ردیف اول که تحت عنوان آخرین دفاع و در مخالفت با اقرارهای قبلی خود ، بطور کلی ارتکاب عمل توسط خود را کتمان نموده ، ذکر این نکته ضروری ایست که مطابق گزارش پلیس (مضبوط در پرونده) مواد مکشوفه ، در جیب و زیر پای متهم ردیف اول کشف و ضبط گردیده است ، که این خود حکایت از تعلق مواد مخدر کشف شده به ایشان دارد.

۲- همانطور که مستحضر می باشید ، برای تحقق رکن معنوی در جرایم عمدی ، علاوه بر داشتن اطلاع از حکم قانونگذار ، خواستن نیز باید محرز باشد ، بعبارت دیگر وجود آگاهی نسبت به حکم _

مقنن و وقوف بر مصادیق این حکم (که در مورد موکل این نیز وجود نداشته است) فعل و انفعال را زمانی ناقض حکم قانونگذار قرار میدهد که شخص مرتکب عمل ممنوعه قاصد در انجام عمل مجرمانه بوده و عمل مزبور باید از اراده مرتکب ناشی شده باشد .

همانطور که در بند ۱ بدان اشاره گردید و فارغ از عدم مباشرت موکل ، آنچه اراده موکل را بسوی معاونت در ارتکاب عمل ممنوعه هدایت نموده است صرفاً رهایی از شرایط سخت روحی و روانی موکل با توجه به ذهنیت ایشان از مواد مکشوفه (داروی گیاهی) و نه قصد معاونت در ارتکاب عمل مجرمانه بوده است .

متأسفانه مرجع محترم تحقیق علیرغم تأکید مکرر اینجانب و موکل بر موارد مطروحه در این بند (که حتی طی لایحه ایی مستقلاً به نظر ایشان رسید) دایره ی قاعده ی «جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست» را به اموری که احراز و اثبات آن برای تحقق جرم ضروری می باشد نیز تسری داده ، بنحوی که تمایزی برای عدم سوء نیت موکل و ادعای جهل به قانون قائل نبوده اند ! (هر چند در اثبات جهل موکل نسبت به قانون نیز توضیحاتی در بند ۳ به استحضار خواهد رسید)

در حالیکه مستفاد از ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ، قانونگذار احراز قصد در ارتکاب فعل مجرمانه و علم به موضوع جرم را لازمه تحقق جرم دانسته و در غیر این صورت بعلت فقدان عنصر سوء نیت عام (تعلق ذهنی) عمل را فاقد قصد ارتکاب و مبری از مجازات دانسته است .

طرح یک سوال با ذکر همان مثال مشهور و آن اینکه، آیا اگر فردی ظرف محتوی مشروبات الکلی را به تصور اینکه محتوی آب است بنوشد ، مرتکب جرم شده است؟!!

فقدان سابقه کیفری موکل، مدارج تحصیلی عالیه ، نوع و شکل مواد مکشوفه (قارچ) که بر خلاف سایر مواد مخدر و متداول در جامعه شناخته شده نیست و همچنین نحوه مصرف این نوع مواد که به شکل دمکرده مصرف میشود موید صحت ادعا است و این ذهنیت _

بیش از پیش متبادر میشود که موکل نه تنها علم به موضوع جرم نداشته بلکه قاصد در ارتکاب فعل مجرمانه نیز نبوده است .

۳- هرچند در رویه موجود در کشور با استدلال لزوم اجرای قانون در مورد همه افراد جامعه علی الاصول دفاع جهل حکمی پذیرفته نشده ، ولی استثنائاتی بر این اصل متصور و خلاف آن قابل اثبات است ، خصوصا در مورد موکل با توجه به نوع مواد مکشوفه، چرا که ؛

اولا -اسامی مواد مصرحه در مواد ۴ و ۵ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر یک حقیقت قانونی است و می بایست فقط بر معانی که مورد نظر قانونگذار بوده و مورد تعریف قرار گرفته حمل شود و معرفی یک ماده بعنوان مواد مخدر در قالب تصویب نامه آنهم بدون تعیین مجازات مخالف با مقصود قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و عقاب بلا بیان است و جهل موکل بدان نیز امری محتمل می باشد .

ثانیا -وفق پاسخ استعلام واصله به شعبه محترم پنج بازپرسی ، مواد مکشوفه پس از آزمایش حاوی مواد سیلوسین تعیین گردیده در حالی که در فهرست ضمیمه تصویب نامه مواد پسیلوسین و پتسیلوسین بعنوان مواد ممنوعه اعلام گردیده است .

ثالثا -بر فرض تطبیق عنصر مواد مکشوفه (سیلوسین) با آنچه در فهرست فوق الذکر قید شده است باید خاطر نشان شد،در جامعه و حتی مراجع قضایی از آن مواد که بسیار هم نادر و غیر معمول است ، تحت عنوان مجیک ماشروم یاد می شود در حالی که آنچه در فهرست ضمیمه تصویب نامه قید و اکنون مستند کیفر خواست واقع گردیده است، پسیلوسین است، بنابراین میتوان جهل به قانون را نیز نسبت به موکل متصور شد.

نهایتا ضمن عذرخواهی از اطاله کلام ، و با توجه به موارد فوق الذکر ، از جمله عدم مشارکت موکل ، عدم قصد معاونت در فعل مجرمانه ، عدم سابقه کیفری ، شرایط خاص موکل در زمان واقعه _

تحصیلات عالیہ ایشان بدوا و عاجزانہ، تقاضای صدور حکم برائت مورد تقاضا و در غیر اینصورت مستندا بہ موجب بند پ مادہ ۳۸ و مفہوم مخالف بند ت مادہ ۴۷ قانون مجازات اسلامی تقاضای تعلیق در اجرای مجازات و یا تعویق در صدور حکم را مستدعی است./

با تجدید احترام

رضا شریفی اردانی وکیل